

هرکه او دعوی مستی میکند
آشکارا بت پرستی میکند

.....
هرکه از خاک درش رفعت نیافت
لاجرم سر سوی پستی میکند
(عراقی)

بخش نهم

محمد حسینی

اولین بخش: در فروردین ماه ۱۳۹۰ و این بخش در ۲۸ مرداد ۱۳۹۰ منتشر شد

چون عمر تبه کردم چندانکه نگه کردم
در کنج خراباتی افتاده خراب اولی
چون مصلحت اندیشی دور است ز درویشی
هم سینه پر از آتش هم دیده پر آب اولی

در این بخش به مناسبت سالگرد پنجاه و هشتمین سال کودتای ننگین
سیا(CIA)، اینتلجنس سرویس بریتانیا، آیت الله کاشانی، دربار فاسد پهلوی،
و جمعی از الوات و فواحش جنوب شهر تهران علیه مصدق بزرگ و دولت
قانونی و دموکراتیک وی مطلب زیر به هم میهنان، خصوصا جوانان پرشور
میهن و جنبش افتخار آمیزشان علیه استعمار و استبداد تقدیم می گردد:

از فردای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نه تنها مدارک و اسناد غیرقابل کتمان، بلکه کردار
خمینی و دیگر آیت الله های حاکم بر ایران کنونی نشان داد که امریکا و انگلیس محال بود
بتوانند آن کودتای خانمان برانداز را بدون خیانتی که آیت الله ابوالقاسم کاشانی به ملت بزرگ
ایران کرد به ثمر برسانند. باز نویسی تمامی آن مدارک و اسناد در این کوتاه نوشتار ممکن
نیست، اما انتشار نامه ای از زنده یاد مهندس کاظم حسینی(عموزاده این نگارنده که بمناسبت شناخت فامیلی
کوچکترین شکی در صداقت و شرافت او در مبارزه برای دسترسی به استقلال ایران به عنوان کلید رسیدن به آزادی و عدالت
اجتماعی نداشته و ندارم) که یک مسلمان دو آتشف و معتقد به اصول اسلام و در عین حال در
صداقت و راستی و درستی کم نظیر بود می تواند در رابطه با خیانت بزرگی که آیت الله
کاشانی به نسل های بعدی در ایران کرد و در حقیقت پایه های روی کار آمدن نظام حکومت
اسلامی را محکم کرد بس گویا باشد.

مهندس کاظم حسینی بعد از آن کودتای ننگین، دو نامه به آیت الله کاشانی نوشته است. دستگاه دروغ پراکنی و تبلیغاتی نظام ولایت مطلقه فقیه، از مجموعه این دو نامه و تغییراتی که در آن ها داده است دست به سوء تفسیر و تعبیری از این دو نامه زده است که باعث رسوائی بیش از پیش این نظام و آیت الله کاشانی خواهد بود. اولاً می گوید که این نامه را (نامه اول)، مهندس کاظم حسینی هیچگاه برای آیت الله کاشانی نفرستاده است!، بلکه نامه دوم خود را بجای آن ارسال نموده؛

اما، از آنجا که تار و پود و تاریخچه نظام حکومتی ولایت مطلقه فقیه از آغاز تا کنون با دروغ و حيله و نیرنگ درهم آمیخته، و از سوی دیگر از آنجا که گفتار و کردار آیت الله کاشانی پس از آن کودتا نیز نزد همگان آشکار است مگر ممکن است کسی بتواند برای تعبیر و تفسیرهای دروغین دستگاه تبلیغاتی شاگرد و جانشین وی یعنی خمینی ارزش و اعتباری قائل شد؟! بنابراین در اینجا ابتدا، عین نامه اول زنده یاد مهندس کاظم حسینی را که دستگاه تبلیغاتی نظام ولایت فقیه اجباراً منتشر کرده و گفته است که این نامه هیچگاه برای آیت الله کاشانی فرستاده نشده درج می کنیم، ما حتا چنین فرض می کنیم که مهندس کاظم حسینی این نامه را برای کاشانی هم نفرستاده باشد، اما خوشبختانه دستگاه دروغ پردازی اطلاعات و تبلیغات ولایت مطلقه فقیه نوشته شدن این نامه توسط مهندس کاظم حسینی را نتوانسته است کتمان کند. اهمیت موضوع در این است که مهندس کاظم حسینی در آن نامه با وجود براینکه هنوز مدارک همکاری نزدیک کاشانی با سازمان سیا (CIA) و دریافت کیسه های دلار از نماینده این سازمان در تهران را نشنیده و ندیده و اطلاعی از آن ها نداشته است اینگونه که در زیر می بینیم با کاشانی سخن گفته است! وای به حالی که وی زنده مانده بود و مدارک سرسپردگی کاشانی به سیاستمداران آمریکا را با چشم خود می دید و با گوش خود می شنید. ایکاش زنده مانده بود و کتاب رابرت دریفوس (بازی شیطان) را می خواند و خود از زبان او می شنید که آن اولین مأمور جوان سیا (CIA) در ایران به نقاشی نیز علاقمند بود و یک روز پس از تحویل دادن چند کیسه دلار به کاشانی از او تقاضا کرده بود تا مدتی بدون حرکت بنشیند که بتواند صورتش را روی ورقه کاغذ بزرگی که با خود آورده بود نقاشی کند! (آن پورتره چنان که آقای رابرت دریفوس به این نگارنده گفت هم اکنون نزد خانواده آن مأمور سیا CIA در ایالت ویرجینیا موجود است). . . . و حالا به نامه اول مهندس کاظم حسینی به کاشانی توجه می کنیم:

نامه اول مهندس کاظم حسینی

به شرافت فاطمه زهرا قسم، با تحمل و تأمل نامه را بخوانید.

حضور محترم آیت الله کاشانی

امیدوارم که خدای بزرگ توفیق خدمت‌گزاری به همه‌ی مدعیان خدمت به خلق عنایت فرماید و بنده را نیز توفیق دهد که در زمره‌ی خدمت‌گزاران باقی بمانم. علت تصدیع بنده این است که فعلا که از ظلم دوستان و هم‌داستان‌های آن جناب، در این خانه و آن خانه همه با آغوش باز و محبت، مرا می‌پذیرند تا از گزند خدمت‌گزاران! در امان باشم و با توجه به اختناقی که فراهم آورده اند، به هیچ وجه وسیله مطبوعاتی برای انتشار حقایق در دسترس ما نیست، خواستم به وظیفه دینی و وجدانی خود عمل کرده باشم و جنابعالی را که سهم بزرگی در ایجاد وضعیت فعلی دارید، از سرنوشتی که در انتظار ملت ستمدیده‌ی ایران است، اقلا از نظر حل قضیه نفت آگاه‌نمایم تا هر اقدامی را که وجدان یک مسلمان شرافتمند و میهن‌دوست قضاوت می‌کند و دستور می‌دهد، مجزا (محمد حسینی: این کلمه صحیح نیست. چه بسا "اجرا" باشد) بفرمایید که توفیق حاصل شود که حل مسأله‌ی نفت، ایران را گرفتار استعمار ظاهری آمریکا که شامل استعمار باطنی انگلستان است، نکند (انشالله).

شما بایستی بدانید که در صورت ادامه‌ی سکوت مرگبار فعلی که متأسفانه خود آن جناب نیز از آن برکنار نیستید، خیانتی به کشور ایران تحقق خواهد یافت که مردم ایران الی الابد نام شما را که روزی نام بزرگترین پیشوای نهضت ملی، یعنی نهضت آزادی بخش ملل شرق، می‌شناختند با لعنت و نفرین یاد خواهند نمود.

آقای محترم، مگر جنابعالی خود را بزرگ‌ترین دشمن سرسخت آمریکا و بخصوص انگلیس معرفی نمی‌فرموده و نمی‌فرمایید؟ مگر شما صد بار اظهار نفرموده بودید و اخیرا نیز ضمن مصاحبه‌ها نفرموده اید که تنها اختلاف شما با مصدق در زمینه‌ی سیاست داخلی او بوده است و نسبت به سیاست خارجی کاملا با او هم عقیده و هم صدا بوده و هستی؟ مگر نه این بود که شما خود را دشمن دشمنان ایران و خدمت‌گزاران به سیاست اجنبی و بخصوص سیاست انگلیس معرفی می‌فرموده و می‌فرمایید؟

ممکن است لطفا به طریقی که مقتضی می‌دانید، بفرمایید چرا با فطانت سیاسی که دارید، متوجه این نکته نمی‌شوید که دولت فعلی و دربار دست به دست هم داده و کشور را در مقابل چند میلیون دلار تسلیم هوا و هوس‌های آمریکائی‌ها می‌نمایند؟

ممکن است لطفا توضیح بفرمایید و ما را روشن کنید که بندگی آمریکا با بندگی انگلستان فرقی دارد؟ و آیا بندگی آمریکا دنبال خود و زیر پرده ی همان بندگی سیاست استعمار شوم انگلستان نیست؟ ممکن است بفرمایید که آیا سبک تبلیغات فعلی که در زمینه ی نفت می شود چه هدفی جز اسیر نگاه داشتن و اسیر معرفی کردن ایران در چنگال استعمار سیاه دارد؟ آیا راهی که دولت فعلی در پیش گرفته با آرزوهایی که آن جناب همواره ابراز می فرموده اید مطابقت و موافقت دارد یا مغایرت؟

ممکن است که بفرمایید اشخاصی مانند عمیدی نوری و دولت آبادی و خانم اعتضادی و غیره و غیره که در دولت فعلی حاکم بر سرنوشت کشورند، کسانی هستند که از نظر سیاست داخلی نظریات جناب عالی را دارند یا نمی توانند جز راه خیانت به کشور راهی را ببینند؟

ممکن است بفرمایید که شما طرف دار طرد اشخاص نادرست و یا خدمت گزاران به اجانب از دستگاه دولتی و بخصوص مقامات حساس کشور بوده اید با برگشت افسران و سران بازنشسته و بسیاری اشخاص دیگر که در رأس امور حساس کشورند، نظرات آن جناب تأمین شده یا نظریات دشمنان ملت ایران و خارجیان و بخصوص دولت فحیمه ی انگلستان!؟.

ممکن است که بفرمایید آیا رفتاری که با مشتی جوان خداپرست و در همه حال پاکدامن به جرم انتساب به احزاب ملی کرده اند با روح حق پرستی و خداشناسی آن جناب موافقت دارد یا مخالفت؟.

ممکن است بفرمایید که خفقانی که هم اکنون بر مطبوعات ملی و وسایل نشر افکار تحمیل کرده اند مطابق آرزوی آن جناب است یا طبق خواسته ی اجنبی؟.

ممکن است بفرمایید که ... و که...و که....

اگر راهی که دولت فعلی می رود از نظر حل مسأله ی نفت و سیاست خارجی مطابق نظر جناب عالی است؟ که عرضی ندارم و فقط بایستی از خدای بزرگ، مصرّانه، ملت ایران بخواهد که او را از خطرات سرنوشتی که در انتظار اوست به تفضّل خود در امان بدارد و بحثی نیست، ولی اگر در دوره ی دکتر مصدق که به نظر شما خطاکار است آن همه فعالیت برای تنقید از او داشتید، چرا فعلا از جریان خود را کنار کشیده و در مورد

دولت فعلی که با نیرنگ و پول اجنبی و کودتا سر کار آمده است، سکوت اختیار می فرمایید؟

این سکوت عجیب شما را در وضع حاضر، ملت به چه تعبیر کند؟

اگر راهی که دولت فعلی از نظر سیاست داخلی طی می کند مطابق آرزوهای شماس است که بازهم بحثی نیست، ولی اگر مخالف آمال اصلاح طلبانه ی شماس است، همان آمالی که به علت آن با دولت دکتر مصدق مثل یک دشمن مخالفت می کردید، ممکن است مردم را روشن بفرمایید که چرا دیگر مهر سکوت بر لب زده اید؟

آیا خیال نمی کنید که موقع اقدام شما همین امروز است و هر ساعتی که تأخیر شود واجبی فوری و علنی را ترک فرموده اید، مخصوصا این که ترک این واجب با حیات ۲۵ میلیون ایرانی و چندین صد میلیون مسلمان تمام جهان که نهضت ملی ایران را نهضت نجات بخش خود شناخته اند ارتباط دارد؟

حضرت آقای کاشانی، به خدا قسم که من تمام مطالب بالا را از روی سوز دل و علاقه به شرافت و نهضت ملی ایران که نام شما اقلا در خارج از ایران در ردیف اول ذکر شده ومی شود، اظهار می نمایم و اگر به شخص شما هم علاقه نداشته باشم به شرافت ملی ایران و آبروی کشور و به وجود نهضت که خود سهم کوچکی در آن داشته ام علاقه مندم و برای این است که شمه [ای] از مطالبی را که به نظر من درست بر علیه منافع ملی از نظر داخلی و خارجی در دولت فعلی انجام شده و یا در شرف انجام است به عرض رسانیدم و خود یقین دارم که جواب تمام مطالب بالا در جهتی است که خود خیال می کنم جناب عالی را شناخته ام و بنابراین حق دارم از سکوت جناب عالی اظهار تأسف و تأثر نمایم و چنان چه چندبار نظریات خود را بدون پرده، گرچه تلخ و ناگوار بود، به عرض تان برسانم.

من وظیفه فرزندی و کوچکی را در مقابل جناب عالی و قسمتی از وظیفه ی میهن پرستی خود را در مقابل ملک و ملت با گرفتاری و ناراحتی فکری که فعلا دچار آن می باشم؛ با این برنامه ای که از نظر جناب عالی که شخص موثری هستید می گذرانم انجام داده ام و خوشنود هم هستم و امیدوارم که با استفاده از نبوغ سیاسی خود اقدامی بفرمایید که جلو این جریانات که مارا به طرف استبداد مطلق (استعمار سیاه و بندگی آمریکا و

انگلستان و قربانی شدن برای منافع آمریکا و انگلیس به ضرر ملل مسلمان) سوق می دهد، گرفته شود و اگر گرفته نمی شود، لااقل وظیفه ی وجدانی و میهنی و مسلمانی خود را انجام داده باشید. شعار ما در جنگ نفت این بوده و هنوز هم همین آیه ی مبارکه از سوره ی توبه باید باشد: «قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مومنین.»

خدا یار خدمت گزار صدیق می باشد.
مهندس کاظم حسینی - جاوید باد ایران

همانطور که در سرآغاز این نوشتار آمد، اهمیت چنین نامه ای حتا اگر برای کاشانی فرستاده نشده باشد در این است که در آن زمان حتا روح مهندس کاظم حسینی هم از پیوستن کاشانی به سیا CIA و دربار پهلوی بی خبر بوده. او چنانکه نامه اش نشان می دهد حیران و سرگردان مانده که چرا کاشانی با دکتر مصدق برای بیرون راندن انگلستان از ایران همکاری و مساعدت می کرده، اما با قید و بندی که امریکا قرار است بر گردن مردم ستمدیده ایران بگذارد نه تنها مشکلی ندارد بلکه همکاری هم می کند!.

مهندس کاظم حسینی چنانکه در نامه بالا دیدیم از جمله به کاشانی چنین نوشته بود که:

« شما بایستی بدانید که در صورت ادامه ی سکوت مرگبار فعلی که متأسفانه خود آن جناب نیز از آن برکنار نیستید، خیانتی به کشور ایران تحقق خواهد یافت که مردم ایران الی الابد نام شما را که روزی نام بزرگترین پیشوای نهضت ملی، یعنی نهضت آزادی بخش ملل شرق، می شناختند با لعنت و نفرین یاد خواهند نمود.»

و امروز می دانیم که بزرگ ترین دلیل «ادامه ی سکوت مرگبار» کاشانی بود و کسی در آن روزگار نمی دانست، اما امروز همه می دانند و همانطور که مهندس کاظم حسینی اشاره کرده بود نام کاشانی **الی الابد . . . با لعنت و نفرین یاد می شود. لعنت ابدی بر او باد.**

در عین حال مراجعه به متن مصاحبه های خبرنگاران خارجی با کاشانی پس از کودتای ننگین بسیار قابل توجه است و نشان می دهد که امریکائی ها او را از مدت

مدیدی پیش از کودتا خریده بودند و به وسیله او ریشه درخت مسموم حکومت ولایت مطلقه فقیه را در خاک ایران برنشانده بودند. **دو صد لعنت بر کاشانی باد.**

در **بخش دهم** این سلسله نوشتار، به درج دومین نامه زنده یاد مهندس کاظم حسینی و تفسیر و تعبیراتی که دستگاه دروغ پراکنی سازمان اطلاعاتی/تبلیغاتی نظام مطلقه فقیه در رابطه با هردو نامه منتشر کرده خواهیم پرداخت و متن بسیاری از مصاحبه های کاشانی با خبرنگاران خارجی را نیز درج خواهیم نمود.

**زنده باد استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در سراسر ایران بزرگ. برکنده باد
بساط ننگین جا مانده از خیانت کاشانی به مردم استقلال طلب و مبارز ایران**